

اخلاق معاشرت



دانشگاه صنعتی شاهرود

دکتر علی اصغر آخوندی
استادیار گروه معارف اسلامی

۱. اهمیت و جایگاه

۲. انواع معاشرت

۳. معیار معاشرت

۴. اهتمام به امور مردم

۵. اصلاح میان مردم

۶. نظارت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر

۷. آسیب‌شناسی معاشرت با دیگران

۸. دوستی و دوست‌یابی

اهمیت و جایگاه

معاشرت مصدر باب مفاعله از ریشه عشره به معنای مصاحبت، همراهی، هم‌صحبتی، نشست و برخاست و زندگی کردن با یکدیگر است. معاشرت و مصاحبت با دیگران از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی انسان است.

بنابر دیدگاهی که انسان را مدنی بالطبع می‌داند، معاشرت پیشینه‌ای به قدمت تاریخ دارد.

قرآن کریم به صراحت ضرورت اجتماعی بودن انسان را بیان می‌کند. در اسلام به عبادت‌هایی که جنبه فردی محض دارند، نیز جنبه اجتماعی بخشیده شده است.

امام علی می‌فرماید: «آبادانی دل‌ها در نشست و برخاست با خردمندان است»، «معاشرت با نیکان سبب بزرگی و شرف است».

اهمیت و جایگاه

حقیقت آن است که معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است؛ تا جایی که عقیده بسیاری از فیلسوفان، آدمیان مدنی بالطبع‌اند؛ یعنی ذات و فطرت آدمی به گونه‌ای است که حتماً باید زندگی اجتماعی داشته باشد و در اجتماع زیست کند.

شاید اطلاق کلمه «انسان» به این موجود، به دلیل نیازمندی او به انس و الفت با دیگران باشد. مسلم است هیچ انسانی در شرایط عادی، به تنهایی توانایی بقا و ادامه حیات ندارد. در اجتماع به دنیا می‌آید، در اجتماع است که می‌تواند باقی بماند و در اجتماع است که می‌تواند کیفیت زندگی خود را ترقی دهد.

آدمیان نه تنها برای آغاز حیات خود نیازمند دیگران هستند؛ بلکه در تمام مراحل بعدی زندگی نیز به دیگران محتاج‌اند.

به راستی چرا یکی از بزرگ‌ترین و طاقت‌فرساترین مجازات‌ها برای مجرمان، نگه‌داشتن آنان در سلول انفرادی است؟

اهمیت و جایگاه

نخستین گروهی که هر کس با آن رو به رو می‌شود، خانواده است.

ارتباط انسان با خانواده و احتیاج او به آنان امری مدام و پایدار است و در اغلب موارد، تا آخرین ساعات زندگی نیز ادامه دارد. و در مراحل بعد، همسالان و همسایگان و دوستان هستند که در شکل‌گیری شخصیت آدمی تأثیر فراوان دارند و سپس تعامل انسان با اجتماع‌های بزرگ‌تری چون شهروندان و جامعه جهانی است که در تگون شخصیت اجتماعی، اخلاقی و سیاسی او تأثیری انکارناپذیر دارد.

اهمیت و جایگاه

آسیب‌های عدم معاشرت:

نبودن معاشرت انسان را به انزوای مطلق کشیده و در همه عرصه‌های زندگی شکست می‌خورد. دکتر سویل در مجله ریدرز دایجست می‌نویسد: «کمبود کمک‌ها و روابط اجتماعی یک ریسک برای سلامتی است».

در یک تحقیق در استان آلامیای کالیفرنیا مشخص گردید که انسان‌هایی که کمترین ارتباط را با انسان‌های دیگر داشته‌اند بالاترین آمار مرگ و میر، بیماری‌های قلبی، مغز و اعصاب، سرطان و دیگر بیماری‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

پیامبر اسلام فاصله گرفتن از جماعت را معادل خارج شدن از اسلام معرفی کرده است: «کسی که به اندازه یک وجب از جماعت خارج شود ریسمان اسلام را از گردنش جدا کرده است».

هر که او از هم زبانی شد جدا بینوا شد گرچه دارد صد نوا

اهمیت و جایگاه

در طول تاریخ همواره گروه‌هایی بوده و هنوز هم در گوشه و کنار جهان هستند که از معاشرت با دیگران، پرهیز داشته و زندگی در انزوا و خلوت را ترجیح داده‌اند. دلایل آنان عبارت است از:

۱- گرفتار گناه و انحراف نشدن

۲- از رذایل اخلاقی همچون ریا، حسد، غیبت و ... دور بودن

۳- در امان بودن از آسیب‌ت‌ه‌م‌ت، حسادت و سوء ظن مردم بدانندیش

۴- عبادت و راز و نیاز با معبود با خیالی آسوده و بدون دغدغه فکری

۵- نجات یافتن از مشاهده افراد پست، رذل و حیوان‌صفت

اهمیت و جایگاه

فواید و منافع معاشرت:

- ۱- شناسایی ویژگی‌ها و توانمندی‌های خود و دستیابی به تصویری درست و واقع‌بینانه از خویشتن
- ۲- شکل‌گیری شخصیت اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و فرهنگی انسان
- ۳- ظهور و بروز بسیاری از فضایل مانند: عدالت، انصاف، احسان، ایثار، انفاق، صدقه، تواضع، امانت، صداقت، صراحت، عفت، حجاب و امثال آن و همچنین رذایلی مانند: ظلم، حق‌کشی، خودخواهی، تکبر، خیانت، دروغ، بی‌حیایی، رشوه، بی‌بند و باری، غیبت، حسادت و امثال آن
- ۴- تحقق تعلیم و تعلم با آن جایگاه ارزشی والا
- ۵- آشنایی و بهرمندی از تجارب دیگران
- ۶- بهترین ابزار تهذیب نفس و خودسازی، رشد و دستیابی به مقامات والا

انواع معاشرت:

۱. معاشرت‌های انسانی

«معاشرت‌های انسانی» برخورد‌هایی است که با دیگران، به عنوان یک انسان و هم‌نوع صرف نظر از هموطن، هم‌کش، هم‌شری یا خویشاوند بودن داریم. «قولوا للناس حسنا». «مردم یا برادر دینی تواند یا در خلق شبیه تو».

۲. معاشرت‌های آیینی

معاشرتی که هر فرد با سایر هم‌کشیان و هم‌مسلمانان خود دارد، «معاشرت آیینی» یا دینی می‌نامند. پیامبر اکرم فرمود: «کسی که فریاد استمداد برادر مسلمانی را بشنود ولی به یاری او نشتابد مسلمان نیست».

۳. معاشرت‌های شهروندی

روابطی که با هم‌شهریان و شهروندان داریم «معاشرت شهروندی» می‌نامند. در این نوع معاشرت بحث همسایگان به شدت مورد اهتمام است. «کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد، مسلمان نیست».

انواع معاشرت:

۴. معاشرت‌های دوستانه

هر یک از ما میان هم‌نوعان، هم‌شهریان یا هم‌کشیان خود، کسانی را برمی‌گزینیم و با آنان روابط صمیمانه‌تری را برقرار می‌سازیم. این گونه از معاشرت‌ها، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر شخصیت انسان دارد، به همین دلیل بیشتر مورد توجه اسلام و اولیاء دین و عالمان اخلاق قرار گرفته است.

۵. معاشرت‌های خانوادگی:

معاشرت‌هایی که با اعضای خانواده خود و فامیل‌های نسبی و سببی داریم «معاشرت خانوادگی» می‌نامیم. این نوع معاشرت نیز مسئولیت‌ها و وظایف ویژه‌ای بر عهده انسان می‌گذارد. احترام به والدین، روابط همسران، چگونگی تربیت فرزند، صلۀ رحم، و مربوط به این گونه از معاشرت می‌شود.

معیار معاشرت:

هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم پسند.

این قانون در حقیقت معیار و ملاکی کلی و عام برای اخلاق اجتماعی و نحوه معاشرت با دیگران است.

بسیاری از مکاتب اخلاقی نیز این قانون را پذیرفته، در نظام اخلاقی خود از آن بهره برده‌اند. بهترین و کامل‌ترین معیار برای تشخیص درستی یا نادرستی رفتارهای اجتماعی ما، همین معیار است.

این معیار را می‌توان در همه برخورد‌های اجتماعی، اعم از برخورد با همسر، فرزند، پدر و مادر، اقوام، همسایگان، شهروندان و به طور کلی سایر انسان‌ها به کار گرفت.

این معیار مبتنی بر بینش انسان‌شناسانه خاص است که همه انسان‌ها را در انسانیت، شرافت و کرامت انسانی مشترک می‌داند.

همه انسان‌ها در سلايق کلی مشترک هستند.

اهتمام به امور مردم:

اهتمام به امور مردم عبارت است از دغدغه و احساس مسئولیت نسبت به انسان‌های دیگر داشتن. مهربانی، محبت و خیرخواهی نسبت به آنها ورزیدن. خدمت به هم‌نوع کردن. سودرسانی و خدمت کردن به دیگران هم در امور مادی و هم در امور معنوی.

پیامبر اسلام (ص): مردمان همگی عیال خداوندند، محبوب‌ترین افراد نزد خداوند، نیکوترینشان نسبت به عیال خداوندند.

-: پس از دینداری، مهربانی و خیرخواهی نسبت به همه انسان‌ها، اعم از خوب و بد، اوج خرد و خردورزی است.

-: محبت نسبت به مردم، نصف ایمان است.

خدمت به خلق یکی از بهترین و والاترین عبادت‌هاست؛ حتی از اعتکاف یک ماهه نیز نزد خدا ارجمندتر است.

رفع نیاز از مسلمان و برآورده ساختن حاجت او از بیست حج که همراه با انفاق هزاران دینار در راه خدا باشد، اجر و پاداش بالاتر و برتری دارد؛ بلکه از محبوب‌ترین کارها نزد خداوند است.

امام حسین (ع): نیاز مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شماست؛ از این نعمت خسته و بیزار نباشید.

اهتمام به امور مردم:

امام رضا (ع): خداوند را روی زمین بندگانی است که در برآورده ساختن نیازهای مردم تلاش می‌کنند؛ اینان روز قیامت در امانند. هر کس مومنی را شاد سازد، خداوند روز قیامت دل او را شاد می‌کند.

آیت الله فاضل لنکرانی: نیم قرن در اسلام مطالعه کردم، هیچ کاری را با ارزش‌تر از خدمت به مردم نیافتم.
شیخ بهایی:

همه روز، روزه بودن، همه شب نماز کردن
همه ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن
ز مدینه تا به کعبه، سر و پا برهنه رفتن
دو لب از برای لبیک، به وظیفه باز کردن
به مساجد و معابد، همه اعتکاف جستن
ز ملاهی و مناهی، همه احتراز کردن
شب جمعه‌ها نخفتن، به خدای راز گفتن
ز وجود بی‌نیازش، طلب نیاز کردن
به خدا که هیچ کس را، ثمر آن قدر نباشد
که به روی ناامیدی در بسته باز کردن

اصلاح میان مردم:

یکی از بهترین و مطلوب‌ترین اخلاقیات اجتماعی، «اصلاح ذات بین» است.

در زندگی اجتماعی همواره ممکن است کدورت‌ها و ناراحتی‌هایی میان افراد پدید آید. گاهی ممکن است دو برادر بر سر مسائلی با یکدیگر اختلاف پیدا کنند و یا رابطه میان همسایگان و دوستان، به دلایلی سست و سرد شود. در اینجا یکی از وظایف اخلاقی دیگران این است که آنان را آشتی داده و اجازه ندهند که اختلافی جزئی به اختلافات ریشه‌ای و عمیق تبدیل شود.

پاداش «اصلاح ذات بین» در اسلام، از نماز و روزه و صدقه نیز بالاتر و برتر دانسته شده است.

سوره انفال، آیه ۱: «از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و خصومت‌هایی که میان شماست آشتی دهید...».

سوره حجرات، آیه ۱۰: «مومنان برادر یکدیگرند؛ پس بین دو برادر خود صلح و آشتی دهید...»

امام علی (ع) در آخرین وصیت خود به امام حسن و امام حسین و سایر فرزندان و همه شیعیان: «سفارش می‌کنم به ترس از خدا و آراستن کارها و آشتی دادن یکدیگر؛ که من از جدّ شما شنیدم که می‌گفت: آشتی دادن میان مردمان از نماز و روزه سالیان بهتر است».

امام صادق (ع): اصلاح اختلافات میان مردم و نزدیک کردن آنها به یکدیگر، صدقه‌ای است که خداوند آن را دوست دارد».

نظارت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر:

از بهترین جلوه‌های اخلاق اجتماعی در اسلام، «امر به معروف» و «نهی از منکر» است. اقتضای این اصل که «هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند» آن است که انسان در انجام به معروف و عمل به آن خودخواه و خودبین نباشد. خوبی‌ها و فضایل را تنها برای خود نخواهد و دوری و پرهیز از زشتی‌ها را اختصاصی نکند؛ بلکه بکوشد خوبی‌ها را در سطح جامعه و جهان گسترش دهد و زشتی‌ها و بدی‌ها را در هر جایی که می‌بیند، از بین ببرد.

با توجه به این فریضه، هیچ مسلمانی نمی‌تواند فقط به دنبال خیر خود باشد؛ بلکه بر او واجب است که دیگران را نیز به خیر فراخواند و از شر آگاه سازد.

امر به معروف و نهی از منکر، بهترین و زیباترین اهتمام به امور خلق و توجه به مسائل مسلمانان است. یعنی در برابر دیگران احساس مسئولیت کردن، یعنی دغدغه هدایت و ارشاد دیگران را داشتن.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، به دلیل نقش پایه‌ای و اساسی آن در تحقق سایر احکام و دستورات دینی است. اجرای آن تحقق دین را در پی دارد و ترک آن، فراموشی و کم‌رنگی دین و آموزه‌های دینی را.

نظارت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر:

۶-۱. وظیفه عمومی

امر به معروف و نهی از منکر، برخلاف برخی دیگر از احکام دینی و اخلاقی، وظایفی عام هستند. این دو وظیفه اخلاقی از جهات مختلف عمومیت دارند:

اولاً، همه مسلمانان، از زن و مرد و کوچک و بزرگ، مشمول این حکم هستند؛ یعنی این وظیفه، به فرد یا گروه خاصی مربوط نیست؛ بلکه وظیفه‌ای است بر عهده همه افراد جامعه؛ و در حقیقت، یک نوع نظارت عمومی و همگانی و ملی است.

ثانیاً، این حکم در همه زمان‌ها قابل اجراست. یعنی حداقل از مرحله قلبی آن کسی نمی‌تواند جلوگیری کند.

ثالثاً، نسبت به همه افراد نیز قابل اجراست؛ یعنی امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، صرفاً متوجه فرد یا افراد خاصی نیست؛ بلکه همه افراد جامعه را به یکسان در برمی‌گیرد، حتی حاکمان و قدرتمندان را. با استناد به این فریضه کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین افراد جامعه می‌تواند گریبان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین افراد جامعه را گرفته، لغزش‌ها و خطاهای آنان را گوشزد نموده و آنان را امر و نهی کند.

رابعاً، همه احکام و مسائل شرعی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی را شامل می‌شود.

نظارت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر:

۶-۲. شرایط امر به معروف و نهی از منکر

مهم‌ترین و روشن‌ترین شرط امر به معروف و نهی از منکر «شناخت معروف و منکر» است. کسی که معروف و منکر را نشناسد نمی‌تواند به معروف امر و از منکر نهی نماید.

دومین شرط امر به معروف و نهی از منکر، «احتمال تأثیر» است؛ زیرا هدف اصلی این فریضه، تحقق معروف‌ها و جلوگیری از وقوع منکرها و یا رفع آنهاست. طبیعی است که اگر در جایی احتمال تأثیر ندهیم، جایی برای اجرای این فرضیه نخواهد بود. البته این شرط شامل امر به معروف و نهی از منکر قلبی نمی‌شود، بلکه مربوط به مرحله زبانی و عملی امر به معروف و نهی از منکر است.

یکی دیگر از شرایط امر به معروف و نهی از منکر، اصرار بر انجام منکرات و نادیده گرفتن معروف‌هاست. بنابراین اگر فرد یا سازمانی خودش متوجه خطا و اشتباه خویشتن شده و درصدد اصلاح بر آمده است، در این صورت جایی برای امر به معروف و نهی از منکر باقی نمی‌ماند. در حقیقت در چنین مواردی، آن افراد خودشان را امر به معروف کرده‌اند و نیازی به امر دیگران ندارند. حتی برخی از فقیهان نظیر صاحب جواهر در چنین مواردی حکم حرمت امر به معروف و نهی از منکر داده‌اند.

نظارت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر:

۳-۶. مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر، سه مرتبه و مرحله ذکر شده است: **مرتبه قلبی، زبانی و عملی**. منظور از «مرتبه قلبی» این است که در درون خویش از منکر نفرت داشته و معروف را دوست بدارد. اصولاً کسی که از مرتبه قلبی امر به معروف و نهی از منکر برخوردار نباشد، انسانی مسخ شده و دارای طبیعت و سرشتی دگرگون شده است.

منظور از «مرتبه زبانی» این است که به هنگام مشاهده منکر، صرفاً نباید به ناخشنودی قلبی و درونی بسنده شود، بلکه باید این ناخشنودی خود را به زبان نیز آورده، اعتراض خود را به گوش برسانیم.

و بالاخره باید توجه داشت که این مرتبه نیز مرتبه‌ای ایده‌آل و نهایی نیست؛ بلکه برای امر به معروف و نهی از منکر باید دست به عمل بزنیم؛ یعنی اگر مراتب و مراحل قلبی ناکافی و ناکارآمد بود، باید دست به اقدام زد، عملاً برای چیده شدن منکر و تحقیق معروف وارد میدان شویم. حتی اگر لازم باشد جان خود و عزیزان خود را نیز در راه تحقق معروف و برچیده شدن منکر فدا کنیم. البته فقیهان این مرحله از امر به معروف و نهی از منکر را **وظیفه حکومت اسلامی دانسته‌اند و نه وظیفه تک تک افراد**.

نظارت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر:

۴-۶. راه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر

سه مرحله امر به معروف و نهی از منکر به ویژه مرحله دوم و سوم، یعنی مرحله امر و نهی زبانی و عملی، به دو صورت قابل اعمال هستند: نخست به شکل مبارزه «ایجابی» و مثبت و دوم در قالب مبارزه «سلبی» یا منفی.

مبارزه مثبت به این صورت است که وقتی با منکری مواجه می‌شویم، با قاطعیت و جدیت تمام در برابر آن ایستاده و در حد توانایی خویش از وقوع یا تکرار آن جلوگیری کنیم؛ البته باید توجه داشت که قاطعیت و جدیت به معنای تندی و خشونت نیست، بلکه می‌توان و می‌باید با نرمی و مهربانی و از سر دلسوزی و با تسلط کامل بر اعصاب با منکرات برخورد کرد و به معروف امر نمود. اصولاً امر و نهی هنگامی تأثیرگذار است که همراه با همدلی و مدارا با مرتکب منکر و تارک معروف باشد. به عبارت دیگر، بیزاری و نفرت از منکر نباید به بیزاری و نفرت از مرتکب منکر تبدیل شود.

در جایی که تذکرات و توصیه‌های گفتاری و برخوردهای عملی، در آن حدی که بر عهده مردم عادی است، تأثیری در جلوگیری از منکرات نداشت، می‌توان از راه مبارزه منفی وارد شد و آن به این صورت است که مثلاً از نشست و برخاست با مرتکبان گناه و تارکان واجبات پرهیز کرده، دوستی و رفاقت خود را با آنان قطع کنیم. البته این کمترین کاری است که هر مسلمانی در مواجهه با وقوع منکرات می‌تواند انجام دهد.

آسیب‌شناسی معاشرت با دیگران:

۷-۱. دخالت در امور خصوصی

امربه معروف و نهی ازمنکر از وظایف شهروندی و اجتماعی مسلمانان است. به تعبیر دیگر، این فریضه مربوط به حیات اجتماعی است و نه زندگی خصوصی و فردی؛ بنابراین باید از کشاندن آن به حریم خصوصی افراد به شدت پرهیز کرد.

نهایت جهل است که برای امر به معروف و نهی از منکر، خود مرتکب منکر شده و معروف را باز گذاریم. کسانی که به حریم خصوصی افراد تجاوز کرده و نهانخانه ذهن و زندگی آنان را افشا می‌کنند، باید بدانند که خود مرتکب منکری بزرگ شده‌اند. اسلام نه تنها به ما اجازه این کار را نداده، بلکه توصیه‌های فراوانی به پرده‌پوشی کرده است.

آسیب‌شناسی معاشرت با دیگران:

۷-۲. شایعه‌پراکنی

پیامبر اکرم (ع) در توصیه خود به ابوذر غفاری می‌فرماید:

«ای ابوذر، برای دروغگو بودن فرد همین بس که هر چه را می‌شنود، بازگو نماید.»

یعنی حتی در جایی که شنیده‌های او عین واقع باشد، اما بدون تحقیق و بررسی به بازگویی آنها پردازد، دروغگو به حساب می‌آید، چه رسد به اینکه از آنچه شنیده است بکاهد، یا به آن بیفزاید.

با توجه به این سخن پیامبر، می‌توان شایعه‌پراکنی را از مصادیق دروغ دانست. حتی اگر انسان انگیزه ناپسندی از نقل شایعه نداشته باشد، باید نگاه کند که آیا نقل آن، فایده‌ای هم دارد یا نه.

افزون بر این، بیندیشد که آن شایعه، اساسی دارد یا نه. پس باید پیش از نقل هر خبری در درستی آن تحقیق کنیم و پس از اطمینان به درستی، آن را نقل کنیم.

آسیب‌شناسی معاشرت با دیگران:

۷-۳. سوءاستفاده از دیگران

هرگز نباید معاشرت با دیگران را به عنوان پلی برای رسیدن به مطامع و خواسته‌های شخصی خود قرار دهیم. امیرمومنان(ع)، در سفارش خود به امام حسن(ع)، به این نکته مهم اشاره می‌کند که هرگز نباید اعتماد دوستی یا کسی، حق او را ضایع کرد:

«حق برادرت را به اعتماد دوستی که با او داری ضایع مگردان، زیرا کسی که حق او را ضایع کنی دیگر برادر تو نخواهد بود».

یکی از مهم‌ترین شرایط پایداری دوستی و معاشرت با دیگران، رعایت انصاف در حق آنان است. امام علی(ع) می‌فرماید:

«انصاف موجب پیوند دل‌ها به یکدیگر می‌شود».

با رعایت انصاف است که دوستی میان دو نفر تداوم می‌یابد. و بر پایه انصاف است که دوستی و مودت میان دو نفر استوار می‌شود. امام جواد(ع)، یکی از عوامل دوست‌یابی را انصاف در معاشرت معرفی می‌کند؛ و امام علی(ع) انصاف را یکی از راه‌های بهره‌مندی از دوست‌های فراوان می‌داند.

دوستی و دوست‌یابی:

اهمیت دوست و نقش انکارناپذیر دوستی، در زندگی انسان، بر کسی پوشیده نیست. در برخی از روایات یکی از راه‌های شناخت دین و مذهب افراد، شناخت دوستان آنان دانسته شده است.

نیز یکی از نخستین راه‌ها برای قضاوت دربارهٔ شخصیت افراد، شناخت معاشران و دوستان آنان شمرده شده است.

بهره‌مندی از معاشران خوب، در کنار رازداری، مساوی با بهره‌مندی از خیر دنیا و آخرت شده است. در مقابل، داشتن دوستان بد، قطعه‌ای از آتش و آفت خیر و فضیلت دانسته شده است.

بنابراین دوستان انسان، محک خوبی برای شناخت شخصیت او هستند. اگر کسی با انسان‌های دروغگو، چاپلوس، فریبکار و خائن دوستی دارد، نشانهٔ خوبی است برای اینکه بداند خود او نیز اگر چه تا به حال، مرتکب چنین کارهای خلافی نشده است، روح و جان او چندان با چنین کارهایی بیگانه نیست.

دوستی و دوست‌یابی:

۸-۱. ویژگی‌های دوست

امام صادق (ع):

۱. ظاهر و باطن دوست یکسان باشد؛
 ۲. افتخارات دوستش را افتخار خود و شکست‌های او را شکست خود بداند؛
 ۳. ثروت و قدرت، رفتار او را با دوستش تغییر ندهد؛
 ۴. چیزی را از دوستش دریغ نرزد؛
 ۵. در سختی‌ها دوست خود را رها نکند؛
- در روایتی که هم از حضرت عیسی (ع) نقل شده است و هم از پیامبر اکرم (ع)، بهترین دوستان کسانی دانسته شده‌اند که:
۱. دیدن آنان انسان را به یاد خدا اندازد؛
 ۲. گفتارشان بر دانش انسان بیفزاید؛
 ۳. رفتارشان یاد آخرت را در دل انسان زنده کند.

دوستی و دوست‌یابی:

۸-۲. اعتدال در دوستی

نکته مهم در زمینه روابط میان دوستان، حد نگه داشتن در دوستی است.

همواره باید به این اصل توجه داشت که «کلُّ سرِّ جاوزَ الاثنین شاع». پس نباید همه اسرار خود را برای دوستان، هرچند دوستان بسیار نزدیک، فاش کرد؛ زیرا هر دوستی ممکن است روزی به دشمنی تبدیل شود. به همین دلیل، امامان معصوم (ع) سفارش کرده‌اند که اسرار خود را برای دوستان فاش نکنید، مگر مسائلی را که اگر دشمنان شما نیز از آنها مطلع شوند، ضرری نداشته باشد.

امام علی (ع) می‌فرمایند: «دوستت را چندان دوست مدار! مبادا که روزی دشمنت شود و دشمنت را چندان کینه مورز که بود روزی دوستت گردد».

در دشمنی نیز باید همین نکته را مراعات کرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «پس از قطع ارتباط با دوستت، چندان از او بدگویی مکن که راه بازگشت را بر او ببندی؛ شاید که تجارب زندگی او را به سوی تو بازگرداند».

دوستی و دوست‌یابی:

۸-۳. با که دوستی نورزیم؟

امیرمومنان (ع) در پاسخ این پرسش که «بدترین دوستان کیان‌اند؟» فرمود: «کسی که گناه را در چشم انسان زیبا جلوه می‌دهد».

آن حضرت از همنشینی با افراد چاپلوس نیز برحذر داشته است و می‌فرماید: «با چاپلوس معاشرت نکن، چرا که کارش را در نظر تو زیبا جلوه می‌دهد و دوست دارد که تو هم مثل او باشی».

امام محمد باقر (ع) فرمود: پدرم [امام زین العابدین علیه السلام] سفارش کرد که با پنج گروه نه دوستی داشته باشی و نه همسخن شوی و نه در راهی با آنان همراه شوی. گفتم: پدر آنان کیان‌اند: فرمود:

۱. با دروغگو، زیرا او خلاف واقع را به عنوان واقع به تو وانمود می‌کند و تو را فریب می‌دهد.

۲. با فاسق، زیرا که او تو را به یک وعده غذا یا به یک لقمه، بلکه به کمتر از آن می‌فروشد.

۳. با بخیل، زیرا اگر به مال او نیاز پیدا کنی او بخل می‌ورزد و دستت را نمی‌گیرد.

۴. با احمق (نادان)، زیرا او می‌خواهد به تو نفع برساند ولی از جهت حماقت و نادانی به تو ضرر می‌رساند.

۵. با قاطع رحم، زیرا من در سه موضع از قرآن مجید، قاطع رحم را ملعون یافته‌ام.

امام علی علیه السلام:

بانا بخزان،

برائرمعاشرت

فی شور

فاسه

افراق

افراق به درستی می لرزید

و برائرمهدی با خردندان،

بیران (کلمه ج ۲ ص ۱۹۱)
آیین زندگی (اخلاق کاربردی)